



نشریه حقوق کیفری

سال هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

شماره پیاپی ۱۶



نقد رویکرد قانون‌گذار کیفری ایران در نحوه انتساب رفتار مجرمانه به اشخاص حقوقی

امین نیکومنظری^۱

دکتر فرید محسنی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۶

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۵

چکیده

مسئولیت کیفری «اشخاص حقوقی» در نظام حقوق کیفری ایران، منطبق با واقعیت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دچار تحولاتی شده که اندیشه قانون‌گذار را به جرم‌انگاری رفتارهای ایشان گرایش داده است. به طور سنتی، همه جرایم دارای سه عنصر قانونی، روانی و مادی هستند که برای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نیز اثبات و احراز هر کدام ضروری است. این مقاله با رویکردی تحلیلی و توصیفی به بیان ارکان سازنده جرایم این دسته از اشخاص و نیز بررسی امکان شروع به ارتکاب جرم، مشارکت و معاونت توسط آن‌ها و برخی کاستی‌ها در این زمینه می‌پردازد. مطالعه حاضر حکایت از این دارد که ارتکاب جرم توسط این اشخاص در نظام حقوق کیفری ایران، وابستگی تام به اعمال مدیران و مسئولان اداره‌کننده آن دارد. از این رو، جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی، تابعی از رفتار مجرمانه اشخاص حقیقی مرتکب جرم است.

واژگان کلیدی: اشخاص حقوقی، نماینده قانونی، عناصر متشکله جرم، رفتار مجرمانه، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

۲. استادیار دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری (نویسنده مسئول)

مقدمه

امروزه بسیاری از تعاملات اجتماعی و اقتصادی به وسیله اشخاص حقوقی و شرکت‌ها انجام می‌گیرد. گذشته از تحولات اقتصادی و سیاسی یک کشور، قدرت و نفوذ شرکت‌ها به عنوان یکی از مصادیق اشخاص حقوقی، همواره رو به تزاید بوده و به هیچ وجه تضعیف نخواهد شد (محسنی، ۱۳۹۱: ۹). حتی برخی از انواع جرایم اشخاص حقوقی به شاخه های عظیم تجارت بدل شده است؛ قاچاق مواد مخدر، انسان، فحشا، اعضای بدن و... نمونه‌هایی از این قبیل است که اغلب با همکاری چند شرکت با تابعیت‌های گوناگون، تحت یک تشکیلات و سازمان پیچیده صورت می‌گیرد (Newburn, Tim. (2007), p:22). عدم تعقیب قانونی شرکت‌ها، موجب بدبینی در عرف جامعه می‌گردد؛ لذا باید رفتارهای مجرمانه شرکت‌ها به روشنی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد؛ زیرا رفتارهای ارتكابی آن‌ها دارای آثار سوء اجتماعی است که می‌تواند به بسیاری از امور مانند محیط زیست، اقتصاد و نیز محیط کار صدمات جبران‌ناپذیری وارد آورد (uhimann, 2015: p61). با این حال به دلایل متعدد از جمله ناممکن بودن اجرای برخی از کیفرها، اصل شخصی بودن مجازات و از همه مهم‌تر فقدان قصد و اراده در نزد شخص حقوقی، مانع از پذیرش مسئولیت کیفری برای این اشخاص شده است (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۵۸).

با وجود این در قوانین قبل و بعد از انقلاب اسلامی علی‌رغم اهمیت موضوع، تعریفی از شخص حقوقی و مصادیق آن ارائه نشده است. لذا در ابتدا باید جهت روشن شدن موضوع و جوانب بحث و همین‌طور ارائه تفسیری دقیق‌تر از قوانین، شخص حقوقی تعریف شود. با ملاحظه قوانین موجود، و شرایط به کار رفته در متن قوانین، می‌توان به یک جمع‌بندی در تعریف شخص حقوقی رسید و تعریفی به این شرح ارائه کرد: شخص حقوقی، شخصی غیر از شخص حقیقی بوده و به‌عنوان موجودی فرضی و اعتباری صلاحیت دارا شدن حق و تکلیف را دارد و کم‌وبیش از همان امتیازات و حقوق اشخاص حقیقی بهره‌مند است (صفار، ۱۳۹۰: ۱۰۰). اما از لحاظ نظری، آنچه اهمیت دارد بررسی امکان ارتکاب و انتساب فعل مجرمانه به این‌گونه اشخاص حقوقی است.

به‌طوری‌که ماده ۱۴۳ قانون مذکور بیان می‌کند: «... شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت است که نماینده قانونی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود...» و این به معنای شناخت مسئولیت اشتقاقی خواهد بود که مشتق از مسئولیت فردی و نیز مسئولیت نمایندگی که مشتمل بر انتساب رفتار مجرمانه نمایندگان شخص حقوقی به آن است. به عبارت دیگر، شخص حقوقی مسئولیت کیفری نخواهد داشت مگر این که احراز شود شخص نماینده قانونی به نمایندگی از آن مرتکب جرمی با تمام عناصر آن شده است. بدین معنا که قانون‌گذار ایران در تأیید ماهیت مستقل اشخاص حقوقی و انعکاس مسئولیت کیفری آنان و رای مسئولیت فردی نمایندگان، چندان مصمم

نیست (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۱). به عبارت دیگر می‌توان گفت که در نظام حقوق کیفری ایران، مسئولیت اشخاص حقوقی بر مبنای نظریه نمایندگی استوار گردیده است و باید ارکان متشکله جرم انتسابی به شخص حقوقی را در شخص نماینده قانونی جستجو کرد.

با این وصف، مقاله حاضر در تلاش است که به ابهامات و سؤالات موجود در خصوص ارتکاب جرم و انتساب آن به شخص حقوقی مشخص نماید که: (۱) با توجه به ماهیت اشخاص حقوقی، ارکان سه گانه جرم و شرایط انتساب جرم به آن‌ها چگونه است و آیا بین قوانین خاص با قانون مجازات اسلامی در این زمینه نسبتی وجود دارد؟ (۲) آیا امکان تحقق شروع، معاونت و مشارکت در جرم برای اشخاص حقوقی وجود دارد؟ بنابراین در این مقاله رکن قانونی جرم، منطق چینش قوانین قبل و پس از انقلاب اسلامی، ارائه طریق برای قضات رسیدگی کننده در تشخیص قوانین صائب و همین طور ارکان مادی، معنوی و شرایطی را که لازم است برای ارتکاب جرم به شخص حقوقی انتساب یابد، ارزیابی می‌شود و رویکرد قانون گذار کیفری ایران با ارائه مثال‌های عینی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. رکن قانونی

اصل در هر عمل، مباح و مشروع بودن آن است. جرم بودن عمل، یک حالت استثنایی است و عنصر قانونی جرم، همان وصف نامشروع بودن عمل است که از سوی قانون گذار به یک کنش یا ترک یک کنش داده می‌شود. رکن قانونی، مقدم بر رکن مادی و معنوی است؛ زیرا رفتار مادی و شرایط آن، که عنصر مادی هر جرم را تشکیل می‌دهد، در قانون پیش بینی شده است (زرعت، ۱۳۹۱: ۴۸). به رکن قانونی که تبلور اصل قانونی بودن جرم و مجازات است، در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ اشاره شده: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود». با توجه به این تعریف، در مورد اشخاص حقوقی نیز همین گونه است و برای پذیرش مسئولیت کیفری آنان، باید برای رفتار ارتكابی اعم از فعل یا ترک

۱. به عنوان نمونه می‌توان به پرونده کلاسه ۹۴۱۱۲۸ مربوط به بیمارستان خمینی شهر اصفهان که در آن پزشک و پرستار خاطی علی‌رغم وجود وظیفه قانونی و برخلاف موازین اخلاق حرفه‌ای، اقدام به کشیدن بخیه‌های کودک خردسال کرده بودند و بیمار را در آن شرایط به حال خود رها نمودند، اشاره کرد. در این پرونده، امکان تعقیب شخص حقوقی بیمارستان با توجه به اینکه پزشک اورژانس، نماینده قانونی شخص حقوقی نبوده، طبق حقوق کیفری ایران امکان پذیر نیست؛ ولی با توجه به نظریه تجمیع که اجمالاً در بالا مورد اشاره قرار گرفت، شخصیت حقوقی بیمارستان قابل تعقیب است. زیرا نتیجه مجرمانه حاصل، برآیند اقدامات مجرمانه کارکنان شخص حقوقی بوده است. البته مورد اخیر مورد پذیرش نظام حقوق کیفری ایران قرار نگرفته است. با این وصف، بسیاری از اقدامات اشخاص حقوقی که می‌تواند جنبه مجرمانه داشته باشد، بدون کیفر باقی خواهند ماند.

فعل، در قانون، مجازات تعیین شده باشد. فقدان قانون کیفری مؤثر در زمینه جرایم اشخاص حقوقی و شناسایی اشخاص حقوقی منتهی به این گردید که در پرونده‌های مهمی چون پرونده خون‌های آلوده، در خصوص شکایت کیفری تعداد زیادی از بیماران هموفیلی و تالاسمی به طرفیت برخی اشخاص از جمله سازمان انتقال خون ایران به اتهام تولید و عرضه فرآورده‌های خونی آلوده و ابتلای به بیماری هیپاتیت C و ایدز که بعضاً منجر به فوت برخی از مبتلایان گردیده است، دادگاه کیفری در رأی خود تصریح می‌کند: «نظر به این که شکایت کیفری به طرفیت شخصیت حقوقی مسموع نیست، دادگاه قرار منع تعقیب صادر و اعلام می‌دارد»^۱ تا شخص حقوقی بتواند به راحتی از بار مسئولیت بگریزد. از این روی، پیش‌بینی مسئولیت کیفری برای شخص حقوقی در قانون مجازات اسلامی در کلیه جرایم، فصل نوینی در حقوق کیفری ایران گشوده است.

۱.۱. جرایم مربوط به اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی

باتوجه به سیاق به کار رفته در مواد ۲۰، ۲۱، ۲۲ و نیز ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، ملاحظه می‌گردد که لفظ «جرم» به طور مطلق و عام ذکر شده است؛

اگرچه امکان انتساب برخی از جرایم ارتكابی - مانند برخی از حدود یا قصاص با توجه به ویژگی‌های خاص آنان - از سوی اشخاص حقوقی ناممکن است، زیرا چنین جرمی نمی‌تواند به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی باشد، با این حال اعمال مجازات قصاص (اعم از قصاص نفس یا عضو) یا مجازات حدی (مثلاً شلاق) بر شخص حقوقی غیرممکن است. بر این اساس، قانون‌گذار نیز چنین مجازاتی را برای شخص حقوقی در نظر نگرفته است (پوربافرانی، سیفی، ۱۳۹۴: ۱۱۰). اما به نظر می‌رسد، با توجه به اطلاق مواد مرتبط به اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی، منعی در انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در جرایم تعزیری وجود نداشته باشد. هر چند که گستره مجازات این دسته از اشخاص که از درجه یک تا شش بوده و به نوعی اطلاق کلیه جرایم تعزیری را مقید ساخته است؛ ولی با وجود این، تفاوتی ندارد که جرم تعزیری ارتكابی توسط نماینده قانونی، جرمی مقید یا مطلق، عمدی یا غیرعمدی بوده است. به عنوان مثال، چنانچه مدیر عامل یک کارخانه به جهت سوءمدیریت و عدم توجه به آسیب‌زا بودن بخشی از محیط کار، موجب ورود آسیب به کارگران آن بخش گردد، وی در مقابل این صدمات مسئول است. حال با وجود شرایط قانونی و رابطه علیت بین ورود صدمه و اقدامات شخص حقوقی، علاوه بر مدیر، شخص حقوقی نیز دارای مسئولیت کیفری خواهد بود، گرچه این جرم غیرعمدی بوده است. بنابراین با

۱. رأی شماره ۶۰۹ - ۳۷۹ مورخ ۱۳۸۰/۹/۱۲ شعبه ۱۴۱۳ دادگاه عمومی تهران به نقل از (شریفی، ۱۳۹۴: ۹۰)

وجود شرایطی که به تفصیل در مباحث بعدی بحث خواهد شد، امکان انتساب مسئولیت کیفری به این دسته از اشخاص میسر می‌گردد.

۲.۱. جرایم اشخاص حقوقی در سایر قوانین و مقررات

در اولین قانون ماهوی کیفری ایران که در سال ۱۳۰۴ و تحت‌عنوان قانون مجازات عمومی به تصویب قوه قانون‌گذاری رسید و همین‌طور در اصلاحی آن به سال ۱۳۵۲، هیچ نشانی از مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی دیده نمی‌شود. چرایی این بی‌اعتنایی را باید در تصنعی دانستن این اشخاص و عدم احساس ضرورت در شناسایی مسئولیت کیفری آن‌ها دانست. این موضوع باعث شده بود که قانون‌گذار سابق ایران نیز با تأسی از چنین رویکرد فردمدارانه‌ای، مسئولیت جرایم ناشی از فعالیت‌های اشخاص حقوقی را یکسره متوجه مدیران آن گرداند (شریفی، ۱۳۹۴: ۶۹). جرایم اشخاص حقوقی در برخی از قوانین پیش و پس از انقلاب اسلامی، با توجه به شدت و آثار و پیامدهای ناشی از ارتکاب جرم، به‌منظور حفظ و صیانت از سامانه‌های رایانه‌ای، محیط‌زیست، حمل‌ونقل، بهداشت، سرمایه‌گذاری و بورس اوراق بهادار، نظام اقتصادی و... بدون توجه به شناسایی مسئولیت کیفری برای آن‌ها تعیین گردیده است. طبیعتاً گستره صدمات ناشی از فعالیت‌های این دسته از اشخاص، قانون‌گذار را ناگزیر از وضع قانون در این زمینه نموده است (محسنی، ۱۳۹۱: ۱۵۰). در زیر به پاره‌ای از این قوانین که برای اشخاص حقوقی مجازات تعیین کرده است، اشاره می‌گردد:

۱.۲.۱. قانون جرایم رایانه‌ای مصوب سال ۱۳۸۸/۳/۲۰ که نخستین بار در نظام تقنینی ایران شرایط مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را برشمرده است؛

۲.۲.۱. ماده واحد قانون ممنوعیت فعالیت شرکت‌های هرمی، با الحاق یک بند و یک تبصره به قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور، مصوب سال ۱۳۸۶؛

۳.۲.۱. قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴/۳/۲۹ که مجازات تعطیلی را برای مؤسسات فاقد صلاحیت‌های لازم در امور پزشکی و دارویی تعیین کرده است؛

۴.۲.۱. قوانین مربوط به قاچاق که از آن جمله می‌توان به قانون‌های مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۹۳، مبارزه با قاچاق انسان مصوب سال ۱۳۸۳، اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۸۹ اشاره کرد که به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی توجه داشته‌اند؛ هرچند که به‌صراحت بدان اشاره نکرده است؛

۵.۲.۱. قوانین مربوط به جرایم زیست‌محیطی. از جمله می‌توان به قانون طرز جلوگیری از آلودگی هوا مصوب سال ۱۳۷۴ اشاره نمود که برای اشخاص حقوقی آلاینده هوا، مجازات تعطیلی واحد آلاینده را پیش‌بینی نموده است؛

۶.۲.۱. قانون الزام شرکت‌ها و مؤسسات ترابری جاده‌ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه، مصوب ۱۳۶۸/۲/۳۱ که برای شخص حقوقی مرتکب جرم جزای نقدی در نظر گرفته است؛

۷.۲.۱. قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱ علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد، شخص حقوقی را مسئول جبران خسارت وارده برشمرده است؛

۸.۲.۱. قانون تنظیم و توزیع کالاهای مورد نیاز عام و مجازات گران فروشان مصوب سال ۱۳۵۳ که در اینجا حتی با وجود مسئولیت کیفری شخص حقوقی، مدیرعامل مسئول است؛ خواه دستور داده باشد، خواه نداده باشد.

مجموعه این قانون‌های پراکنده، نشان از این دارد که قانون‌گذار به‌رغم ابا داشتن از پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان یک اصل، نسبت به اهمیت این مسئولیت چندان بیگانه نیست (شریفی، ۱۳۹۴: ۶۹). حال پرسش اساسی این است: باتوجه به این که قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ به‌طور کلی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به رسمیت شناخته، آیا قانون مجازات اسلامی ناسخ این قوانین خاص است یا خیر؟ در ابتدای امر به نظر می‌رسد که قانون‌گذار کیفری ایران تصمیم بر این داشته است که در قالب یک هیئت کلی، برای تمام زمینه‌های ارتکاب جرم توسط اشخاص مجازات تعیین نماید؛ اما از آنجا که قوانین مذکور همچنان نسخ نگردیده و از چرخه قوانین کیفری خارج نشده است، به نظر می‌رسد با توجه به خاص بودن قوانین مذکور و عام بودن قانون مجازات اسلامی، قوانین مذکور همچنان در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به قوت خود باقی هستند. همچنین اگر در این قوانین خاص برای شخص حقوقی مسئولیت کیفری در نظر گرفته نشده و یا مدیر شخص حقوقی را مسئول دانسته است، باید برای تعیین مجازات قانونی به قانون مجازات اسلامی به‌عنوان قانون خاص مراجعه کرد.

۲. رکن مادی^۱

رکن مادی در قانون مجازات اسلامی برخلاف قوانین خارجی تعریف نشده؛ بلکه صرفاً شرایط تحقق هریک از جرایم را احصا کرده است (زراعت، ۱۳۸۵: ۱۴۱). تعاریف مختلفی از عنصر مادی جرم از سوی حقوق‌دانان مختلف صورت گرفته که به جهت عدم ارتباط موضوعی با مقاله حاضر از توضیح

1. Actus Reus

آن در این بخش چشم پوشی می‌کنیم. اما از مجموع آرای حقوق دانان می‌توان تعریفی به این شرح برای عنصر مادی جرم بیان کرد: رکن مادی هر جرم عبارت است از: «رفتار مجرمانه اعم از فعل، ترک فعل، حالت و نگهداری با وجود شرایط مقرر در قانون که می‌تواند در برخی از جرایم (مقید) منتهی به نتیجه مجرمانه گردد و در صورت وجود نتیجه، باید بین رفتار مجرمانه و نتیجه حاصله رابطه سببیت وجود داشته باشد».

از آنچه گفته شد چنین بر می‌آید که قصد باطنی چیزی، غیر از رکن مادی جرم بوده و زمانی قابل مجازات است که تظاهر خارجی آن به صورت رفتاری مغایر با اوامر و نواهی قانون گذار آشکار شود (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۳۰۱). در این بخش، عناصر تشکیل دهنده رکن مادی را در جرایم ارتكابی منسوب به اشخاص حقوقی به تفکیک مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

۱.۲. رفتار فیزیکی

همان طور که در بخش‌های قبلی به مناسبت اشاره شد، جرایم اشخاص حقوقی تابعی از اشخاص حقیقی به عنوان نماینده قانونی آن است. لذا باید رکن مادی را در رفتارهای سرزده از نماینده قانونی مرتکب جرم، بررسی و ارزیابی کرد. درباره جرایمی که به صورت فعل انجام می‌شود، موضوع بحث روشن بوده و نیاز به توضیح اضافه ندارد. اما در زمینه جرایم ناشی از ترک فعل، وجود شرایطی برای احراز آن ضروری است. اساساً جرایم ناشی از ترک فعل، گاهی می‌تواند به خاطر سوءمدیریت و عدم نظارت کافی، از ناحیه نماینده قانونی و یا مدیر مربوطه باشد. در ذیل به اختصار شرایط احراز ترک فعل مورد بررسی قرار می‌گیرد:

اولین شرط برای تحقق جرایم ناشی از ترک فعل، وجود یک الزام قانونی است؛ به طوری که این قانون، کلیه قوانین لازم‌الاجرا را در بر گیرد. در بسیاری از موارد، دولت قراردادهایی را با اشخاص حقیقی یا حقوقی برای انجام وظیفه خاصی (نظیر قرارداد با پزشکان، پرستاران و...) منعقد می‌کند. می‌توان گفت که این اشخاص، به موجب ماده ۱۰ قانون مدنی، ملزم به اجرای تعهدات ناشی از قراردادهای مذکور هستند؛ در نتیجه عدم اجرای این وظایف قانونی برای آن‌ها موجب مسئولیت خواهد بود. در این باره می‌توان به جرایم زیست‌محیطی ناشی از فعالیت سوء صنایع پایه اشاره کرد؛ برای نمونه در پرونده‌ای که دادسرای عمومی و انقلاب اهواز پیرامون جرایم زیست‌محیطی و آلودگی هوای شهر اهواز که بعد از بارش باران‌های اسیدی و آلودگی هوای شهر و بستری شدن هزاران نفر از شهروندان در بیمارستان‌های شهر اهواز گردید، اشاره کرد. کارشناسان محیط‌زیست، علت حادثه را اقدامات آلاینده شرکت‌های نفت و گاز و نیز برخی از سازمان‌های وابسته به سازمان نیشکر خوزستان اعلام کردند. در این پرونده، علاوه بر مدیران ارشد شرکت‌های مذکور، اشخاص

حقوقی نیز که جمعاً هجده عدد می‌شدند، به اتهام ایجاد آلودگی هوا و تهدید علیه بهداشت عمومی به انتشار حکم در رسانه محکوم گردیدند. طبق قوانین مربوط، مدیران و مسئولان اداره‌کننده، مکلف به امحای زباله‌های صنعتی ۱ و یا تقویت سیستم‌های جلوگیری‌کننده از آلودگی هوا هستند. حال چنانچه به دلیل سهل‌انگاری و عدم مدیریت لازم، زباله‌های صنعتی به‌گونه‌ای غیر از موارد مذکور در قانون مدیریت پسماندها دفن شود و به محیط زیست آسیب رساند، افزون بر شخص حقیقی مرتکب _ با وجود سایر شرایط قانونی _ شخص حقوقی نیز طبق قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ دارای مسئولیت کیفری بوده و با توجه به قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ قابل تعقیب است. البته برای ترک فعل در نظام حقوقی ایران شرایط دیگری از جمله وجود رابطه سببیت بین ترک عمل و ورود صدمه یا آسیب نیز احصا گردیده است که در بخش‌های بعدی به مناسبت مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۲.۲. شرایط، اوضاع و احوال لازم برای ارتکاب جرم

۲.۲.۱. شرایط عمومی

۲.۲.۱.۱. ارتکاب جرم توسط نماینده قانونی

شرکت‌ها و واحدهای کسب‌وکار و تجارت یا به‌طور کلی اشخاص حقوقی، از اجتماع افرادی تشکیل شده‌اند که به‌نماینده‌گی از جانب این افراد تصمیم‌گیری نموده و به فعالیت می‌پردازند. بنابراین منافع شرکت، همان منافع افرادی است که می‌توانند در راستای پیشبرد اهداف شرکت و منافع خود، تحت پوشش آن و دیگر انگیزه‌ها مرتکب جرم شوند (Newburn, 2007, p:35). در هر حال یک شرکت دارای مدیران متعدد در سطوح مختلف است که هریک تعهداتی را در مقابل شخص حقوقی و نیز شخص ثالث دارند. از این روی، مسئولیت هریک از مدیران شخص خصوصی در خصوص ارتکاب اعمال مخالف قانون، بر کسی پوشیده نیست. این که این دسته از اعمال می‌تواند موجب مسئولیت برای شخص حقوقی گردد، بستگی به درک ما از تعریف نماینده قانونی دارد (Sepinwall, 2015, p:439)

شناسایی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی مانند شرکت‌ها، در قانون مجازات اسلامی با محوریت «نماینده قانونی» صورت می‌پذیرد. «نماینده قانونی» نیز همانند «اشخاص حقوقی» در قانون تعریف نشده است؛ اما با توجه به مفهوم نماینده و نمایندگی می‌توان تعریفی را برای آن ارائه نمود:

۱. در این زمینه می‌توان به قانون مدیریت پسماندها مصوب سال ۱۳۸۳ اشاره کرد.

به نظر نگارنده، برای تعریف جامعی از شخص حقوقی، باید ارکان ذیل را در خصوص نماینده قانونی احصا نماییم:

- ۱) نماینده قانونی باید به حکم قانون یا اساس‌نامه تعیین شده باشد.
- ۲) نماینده قانونی یا مدیر شخص حقوقی بوده یا از طرف مدیر مأذون باشد.
- ۳) نماینده قانونی دارای قدرت تصمیم‌گیری، نظارت و اختیاردار تام شخص حقوقی باشد.
- ۴) نماینده قانونی با توجه به ویژگی‌های شخص حقوقی می‌تواند تعاریف مختلفی چون مدیر، دبیر کل، مدیرعامل، هیئت‌مدیره و حتی وکیل را داشته باشد.

بنابراین با ذکر ارکان فوق می‌توان تعریفی به این شرح در خصوص نماینده قانونی ارائه کرد: «نماینده قانونی شخص، کسی است که به موجب قانون یا اساس‌نامه سمت نمایندگی به وی اعطا گردیده که یا خود مدیر شخص حقوقی است یا از طرف مدیر شخص حقوقی نمایندگی دارد و در چهارچوب قانون یا اساس‌نامه دارای اختیار نمایندگی، تصمیم‌گیری و نظارت بر شخص حقوقی است.» بنابراین جهت شناسایی نماینده قانونی، ضرورت دارد به قوانین خاص مربوطه و یا اساس‌نامه شخص حقوقی مراجعه نماییم. ۱. هر چند که اصلاح قانون در این زمینه بالاخص در جایی که نماینده قانونی شرکت چند عضو دارد، ضروری است. البته به نظر می‌رسد با توجه به تعریف ارائه‌شده و اشاره به «اختیار تصمیم‌گیری»، چنانچه در مجموعه مدیران، هر کدام از آنان دارای این اختیار باشند، انجام جرم از سوی هر یک موجب مسئولیت کیفری شخص حقوقی خواهد شد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۱). نکته‌ای که جا داشت قانون‌گذار در کنار نماینده قانونی به آن اشاره می‌کرد، ارتکاب جرم به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی از سوی هر یک از کارکنان شخص حقوقی است. لذا با وجود قوانین فعلی و تفسیر مضیق قوانین و نیز تفسیر به نفع متهم، ایجاب می‌کند که چنانچه شخصی غیر از نماینده قانونی مرتکب جرم گردد، مسئولیتی متوجه شخص حقوقی نگردد..

۱. با این وجود در تبصره ماده ۶۸۸ قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح اشاره شده است: «فردی که رفتارش موجب توجه اتهام به شخص حقوقی شده، نمی‌تواند نمایندگی آن را عهده‌دار شود.» به نظر می‌رسد این تبصره با وجود شرط اصلی برای انتساب مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی که همانا ارتکاب جرم توسط نماینده قانونی است، در تناقض باشد. زیرا تبصره ماده مذکور، فردی را که موجب توجه اتهام به شخص حقوقی شده، به‌عنوان نماینده شناسایی نکرده است. درحالی‌که فرد پاسخگو کسی جز نماینده قانونی نمی‌تواند باشد. به نظر می‌رسد که این ماده باید این‌گونه اصلاح گردد که: «چنانچه شخصی غیر از نماینده قانونی مرتکب جرم شود، صرفاً خود او مسئول پاسخگویی بوده و اتهامی متوجه شخص حقوقی نیست.»

۲.۱.۲.۲. جرم به‌نام یا در راستای منافع شرکت باشد:

برای تحقق جرم توسط اشخاص حقوقی، ضرورت دارد به موجب ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، جرم به‌نام یا در راستای منافع شخص حقوقی انجام گرفته باشد. مثلاً اگر مدیر شرکتی در بازاریابی کالای خود با تبلیغات ناسالم (ماده ۶۴ قانون تجارت الکترونیک مصوب سال ۱۳۸۲) موجب اضرار شرکت رقیب خود شود، این رفتار ممکن است صرفاً به‌نام شخص حقوقی صورت گیرد، بدون آنکه منفعتی برای شرکت در پی داشته باشد. یا اینکه اطلاعات نهانی مربوط به اوراق بهادار را قبل از انتشار عمومی مورد استفاده قرار دهد یا موجب افشا و انتشار آن‌ها را در غیر موارد مقرر فراهم کند (ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار مصوب سال ۱۳۸۴). «به‌نام» لفظی است که معنای دقیق آن روشن نیست (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۶۸) ولی ظاهر ماده ۱۴۳ مفید این معنی است که نماینده قانونی به حساب شرکت تلاش کرده باشد. انجام وظیفه (به‌نام) شخص حقوقی یعنی نماینده قانونی عمل را رسماً و عملاً از طرف شخص حقوقی انجام داده باشد (موسوی مجاب، رفیع‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۶). به عبارت دیگر، تحمیل مسئولیت کیفری بر شخص حقوقی اقتضا می‌کند نماینده شخص حقوقی در قلمرو وظیفه استخدامی عمل نموده باشد. پس چنانچه مدیر شخص حقوقی به علت بی احتیاطی در امر رانندگی عابری را در بزرگراه زیر بگیرد و باعث مرگ او شود، شخص حقوقی مسئول نخواهد بود (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۶). در نتیجه حتی اگر اعضا و نمایندگان شخص حقوقی به‌عنوان شخص حقیقی، نه نماینده قانونی شرکت یا سوء استفاده از نام آن، منافعی را برای خود کسب نمایند و یا مرتکب جرم شود، نمی‌توانند برای شخص حقوقی ایجاد مسئولیت کنند.

قید دوم «در راستای منافع» شخص حقوقی، بدین معناست که نماینده مثلاً در معامله ای که انجام می‌دهد، جرمی را با در نظر گرفتن منافع شخص حقوقی و برای رساندن نفع به شخص حقوقی انجام دهد (موسوی مجاب، رفیع‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۶). این نفع می‌تواند مادی یا معنوی، قطعی یا احتمالی و مستقیم یا غیرمستقیم باشد (روح‌الامینی، ۱۳۸۷: ۱۴۵ و شریفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۹). بنابراین چنانچه اشخاص حقوقی در راستای منافع خودشان، شخص ثالث و یا به ضرر شخص حقوقی اقدام کنند، برایشان مسئولیت ایجاد نمی‌شود. این موضوع در قوانین سایر کشورها از جمله فرانسه مورد توجه قرار گرفته و در قانون جزای آن کشور آمده است: «اشخاص حقوقی، به‌جز دولت، نسبت به جرایمی که از سوی ارگان‌ها و نمایندگانشان به حساب آن‌ها صورت می‌گیرد، مسئولیت کیفری ندارند». البته این موضوع در قانون جرایم رایانه‌ای به‌موجب ماده ۱۹، شرایط مسئولیت کیفری را در صورتی محقق می‌داند که جرم «به‌نام و در راستای منافع» باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی حرف «یا» و در قانون جرایم رایانه‌ای حرف «و» به کار رفته که تفاوت این دو در عمل آشکار است. پس برای حل این تعارض

باید گفت که قانون جرایم رایانه‌ای نسبت به قانون مجازات اسلامی خاص بوده، لذا شرایط قانون جرایم رایانه‌ای در خصوص جرایم رایانه‌ای به قوت خود باقی است. هرچند که موضع قانون‌گذار در خصوص جرایم رایانه‌ای و به کار بردن حرف «واو» به جای «یا» منطقی‌تر و عقلانی‌تر است؛ زیرا همان‌گونه که بیان گردید، قانون‌گذار اصل را بر مسئولیت کیفری شخص حقیقی دانسته و مسئولیت کیفری شخص حقوقی فرع بر شخص حقیقی مرتکب جرم است؛ هرچند که این موضع قانون‌گذار قابل انتقاد به نظر می‌رسد، ولی برای جلوگیری از ایجاد مسئولیت بی‌جهت به شخص حقوقی، عبارت به کار رفته در متن قانون جرایم رایانه‌ای قابل قبول است. زیرا یکی از مهم‌ترین اشکالات وارد بر ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی این است که چنانچه نماینده قانونی به نام شخص حقوقی مرتکب جرم شود، شخص حقوقی نیز دارای مسئولیت کیفری خواهد بود. زیرا دور از عدالت نیست زمانی که شخص حقوقی نفعی نمی‌برد و مرتکب تقصیری نیز نشده، مسئول باشد؟ اگر همین رفتار علیه یک شخص حقیقی ارتکاب یابد، آیا آن شخص را که دیگران به نام او مرتکب جرم شده‌اند، شایسته توبیخ و تحمل مجازات است؟ (توجهی، ۱۳۹۴: ۲۰۶) بر این اساس، عدالت و انصاف حکم می‌کند که شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری باشد که نماینده قانونی آن، به نام و در راستای منافع شخص مزبور، مرتکب جرم شود و حداقل از این سوء استفاده، فرض منافع برای او وجود داشته باشد. از سوی دیگر، اتخاذ دو موضع متفاوت در دو قانون متفاوت با پذیرش عبارت به کار رفته در متن ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی (... به نام یا در راستای منافع...) برای کلیه جرایم به هر میزان مجازات و خارج ماندن جرایم رایانه‌ای به اعتبار قانون خاص به لحاظ عبارت (... به نام و در راستای منافع...) قابل تأمل است. گذشته از استدلال مذکور، ضرورت ایجاد هماهنگی و انسجام نیز اقتضا دارد که مقنن در این ماده، بازنگری و در هر دو متن قانون رویه واحدی را اتخاذ کند.

۳.۱.۲.۲. اعمال شخص حقوقی (اعم از خصوصی یا دولتی) از نوع تصدی باشد:

در یک تقسیم‌بندی کلی اشخاص حقوقی به دو قسم، یعنی، اشخاص حقوقی حقوق عمومی^۱ و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی تقسیم می‌شوند. به شرحی که آمد، تعداد رو به تزاید شرکت‌ها و اشخاص حقوقی، کثرت و نوع جرایمی که این اشخاص مرتکب می‌شوند و تعدد قربانیان ناشی از جرایم این دسته از اشخاص در حوزه‌های مختلف محیط زیست، صنعت، حمل و نقل، بهداشت و...

۱. اشخاص حقوقی حقوق عمومی مشتمل بر دولت و مؤسسات عمومی مستقل است. وزارتخانه‌ها نیز تقسیمات داخلی سازمان شخصیت حقوقی دولت را تشکیل می‌دهند. اما مؤسسات عمومی مستقل، واحدهایی هستند که از تابعیت مستقیم وزارت خانه‌ها خارج شده و شخصیت حقوقی دولتی پیدا کرده‌اند.

پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوق خصوصی را هموار کرده است (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۲). از این رو، اشخاص حقوق خصوصی، خواه با اهداف مادی و یا غیرمادی تشکیل شده باشند، از حیث مسئولیت کیفری برابرند. اما در خصوص اشخاص حقوقی عمومی، وضعیت به گونه‌ای متفاوت است. بدین شرح که دولت به‌عنوان عالی‌ترین سازمان‌بندی یا تشکیل قدرت، حافظ نظم جامعه و مجری حقوق جزا، مسئول اعمال مجازات و تنبیه مجرم است و از طریق اعمال حق حاکمیت، از جنبه قضایی مجرمین را تعقیب و مجازات می‌کند که یکی از ویژگی‌های روشن آن، اعمال قضا و حق دادرسی و فصل خصومت است. بنابراین، معقول و پذیرفتنی نیست که دولت، خود را تعقیب و مجازات کند و دادرس دادگاه که عضوی از اعضای حاکمیت دولت و مستخدم آن است، دولت را مورد مؤاخذه قرار دهد (فرج‌اللهی، ۱۳۹۱: ۱۱۸).

وانگهی، اجرای کیفرهایی چون انحلال و مصادره اموال، با اعمال حاکمیت دولت مغایر است. بنابراین اعمال چنین ضمانت اجرایی، در تغایر با فلسفه وجودی قدرت عمومی و تعطیل اختیارات آن خواهد بود. اما پذیرش مصونیت مطلق دولت موجب خواهد شد بسیاری از اشخاص حقوقی که متصدی اعمال دولتی مانند بانکداری، حمل و نقل، خدمات درمانی، عملیات بیمه‌ای و... هستند، از مسئولیت کیفری گریخته و امکان تعقیب آنان در صورت ارتکاب جرم میسر نباشد. بدین جهت، باید راه میانه و مقرون به صوابی را پیش گرفت و اعلام کرد در جایی که اشخاص حقوقی دولتی تصدی اعمالی مانند موارد مذکور را دارند، همانند اشخاص حقوقی خصوصی قابل تعقیب باشند. اما همیشه مرز بین اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی به‌روشنی قابل شناسایی نیست. به‌ویژه در جایی که بعضی اعمال حاکمیتی مانند اداره زندان‌ها در برخی از کشورها به بخش خصوصی واگذار گردیده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۳۷۱). بعضی از وظایفی که مستلزم استفاده از اقتدار عمومی است، اساساً پاسخگوی نیازهایی هستند که نهادهای دولتی برای آن ایجاد گردیده‌اند. هدایت روابط خارجی، دفاع، حفظ نظم و وصول مالیات از ثابت‌ترین فعالیت‌های اداری محسوب می‌شوند و حتی در لیبرال‌ترین کشورها به دولت تعلق دارند. در این کشورها نیز هرگز پذیرفته نشده که حفظ نظم و امنیت عمومی به بخش خصوصی واگذار شود؛ ولی اعمال تصدی برخلاف اعمال حاکمیتی، قابل واگذاری به بخش خصوصی است که امروزه در بسیاری از کشورها از جمله ایران تحت‌عنوان سیاست خصوصی‌سازی مورد توجه واقع گردیده است. به‌عنوان مثال، اعمالی چون بانکداری، حمل و نقل، خدمات بیمه‌ای و... مظاهری از اعمال قابل تفویض به بخش خصوصی است. تبصره ۲ ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ اعلام می‌دارد: «مجازات موضوع این ماده در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود». مفهوم مخالف این ماده آن است که اشخاص مذکور چنانچه اعمال تصدی نمایند،

قابل مجازات نخواهند بود. تصمیم دولت آثار فراوانی را بر اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی بر جای خواهد گذاشت؛ برای نمونه می‌توان به انتساب مسئولیت مدنی و جبران‌ها، لزوم پرداخت یا معافیت از هزینه دادرسی، نحوه استیفای مطالبات دولتی، وضع عوارض و از همه مهم‌تر انتساب مسئولیت کیفری اشاره کرد. به نظر می‌رسد برای نخستین بار در این زمینه، بند الف ماده ۶۴ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تقسیم بندی اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی و تفکیک آن‌ها از یکدیگر پرداخته است (قناد، اکبری، ۱۳۹۴: ۴۲).^۱ در حقوق انگلستان نیز این رویکرد قابل توجه است و برای نمونه وفق قانون قتل غیرعمد و آدم‌کشی شرکت‌ها مصوب سال ۲۰۰۷، مؤسساتی که در پیوست شماره یک این قانون نامشان ذکر گردیده و هر شرکتی که به‌عنوان پیمانکار از سوی دولت فعالیت می‌کند، از تعقیب کیفری به اتهام قتل غیرعمدی، مصون نیست (حسنی، ۱۳۸۹: ۲۱۲ و شریفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۴).

۲.۲.۲. شرایط اختصاصی

در برخی از قوانین متفرقه، پاره‌ای شرایط خاص برای ارتکاب جرم توسط شخص حقوقی پیش بینی شده است که در ذیل به‌اختصار مورد اشاره قرار خواهد رفت:

۱.۲.۲.۲. موضوع جرم ارتكابی

موضوع ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، کلیه جرایم را در بر می‌گیرد. اما قانون‌گذار در بسیاری از قوانین پیش و پس از انقلاب اسلامی، در موارد خاصی برای اشخاص حقوقی مجازات در نظر گرفته است. همان‌طور که در مباحث قبلی تحلیل شد، در این موارد باید به قوانین خاص مراجعه کرد. برای نمونه، جرایم رایانه‌ای که به‌واسطه رایانه انجام می‌گیرد، در قلمرو قانون جرایم رایانه‌ای قابل بحث است (زبیر، ۱۳۹۰: ۱۰). یا جرایم زیست محیطی (جرایمی که موضوع آن تخریب یا آلودگی

۱. این موضوع در برخی از آرای محاکم مورد استناد قرار گرفته است. به‌موجب دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۶۱۱۳۱۰۰۶۱۰ در پرونده کلاسه ۹۲۰۳۵۴ صادره از شعبه ۱۰۸ عمومی جزایی اهواز، شرکت‌های نفت و گاز کارون و مارون از اتهام ایجاد آلودگی هوا علی‌رغم صدور کیفرخواست دادسرای عمومی و انقلاب به استناد ماده ۱۲۹ قانون برنامه پنجم توسعه و ماده ۲ قوانین و مقررات مربوط به صنایع نفت و گاز پتروشیمی و ماده ۵ اساس‌نامه شرکت ملی نفت ایران مصوب سال ۱۳۵۶ و ماده ۱ اساس‌نامه شرکت گاز مارون که همگی حکایت از اعمال حق حاکمیت و مالکیت بر منابع نفت و گاز را دارد، تبرئه گردیدند. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، جهت جلوگیری از تشتت آرای قضایی، تعیین تکلیف این موارد به‌موجب قانون امری اجتناب‌ناپذیر است.

محیط زیست باشد)، در قلمرو قوانین زیست محیطی قابل بررسی خواهد بود^۱ (قاسمی، ۱۳۹۱: ۴۵). به همین ترتیب، در جرایم مربوط به قاچاق که موضوع آن مال یا منابع مادی بوده و یا قاچاق انسان که موضوع اصلی اش بهره‌کشی جسمی و جنسی از انسان است (زراعت، ۱۳۹۱: ۳۳۹) و... قوانین و شرایط خاص آن حاکم بر موضوع است. با این وصف چنانچه موضوع جرم ارتكابی، مشمول قوانین خاص مانند قوانینی باشد که پیش تر به آن اشاره شد، دیگر امکان استناد به قانون مجازات اسلامی وجود ندارد.

۲.۲.۲.۲. اوصاف مرتکب جرم

در پاره‌ای از قوانین و مقررات، وجود وصف خاصی مانند کارمند دولت^۲، نظامی بودن^۳، و کیل دادگستری^۴، سردفتری اسناد رسمی^۵ و... برای ارتکاب جرم ضروری دانسته شده است؛ از این رو چنانچه مرتکب، فاقد اوصاف مذکور باشد، جرم به لحاظ فقدان شرایط لازم، محقق نخواهد شد. به عنوان مثال اگر مدیر عامل (نماینده قانونی) یک شرکت دولتی (غیر تصدی‌گر) که خود از کارمندان دولت نباشد، وجهی را به عنوان رشوه از ارباب رجوع دریافت نماید - با توجه به اینکه وصف کارمند دولت بودن در جرم ارتشا، شرط ضروری تحقق جرم است - نمی‌توان او را به جهت فقدان یکی از شرایط اساسی تحقق جرم ارتشا، به عنوان مرتشی تحت پیگرد قرار داد. از آنجایی که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوق کیفری ایران اشتقاقی بوده و فرع بر مسئولیت کیفری شخص حقیقی است، امکان تحقق جرم ارتشا و انتساب آن به شخص حقوقی قابل تصور نیست. البته قانون‌گذار در خصوص جرایم رایانه‌ای ارتکاب جرم از سوی کارمند شخص حقوقی بر پایه اطلاع یا عدم نظارت مدیر مربوطه را از جمله راه‌های انتساب جرم به شخص حقوقی دانسته است؛ مثلاً چنانچه کارمند یک شرکت دولتی (غیر تصدی‌گر) با اطلاع مدیر عامل شرکت مرتکب

۱. در پرونده کلاسه ۹۲۱۴۵۷ دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان اهواز که منتهی به تعقیب هجده شرکت آلاینده هوا گردید، اقدامات شرکت‌های مذکور منتهی به تشدید آلودگی هوای شهر اهواز و باران‌های اسیدی ناشی از آن گردیده که منتهی به بیماری‌های ریوی هزاران نفر از شهروندان اهوازی گردید که با اقدام دادسرای مذکور برای شرکت‌های آلاینده هوا کیفرخواست صادر گردیده و سرانجام شعبه ۱۰۸ محاکم جزایی اهواز به استناد دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۶۱۱۳۱۰۰۰۴ نیز هریک از شرکت‌ها را به جزای نقدی و انتشار حکم در رسانه‌های جمعی محکوم می‌نماید.

۲. در جرایمی چون اختلاس و ارتشا موضوع قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷

۳. موضوع قانون جرائم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۸۲

۴. ماده ۳۴ قانون وکالت مصوب سال ۱۳۱۵

۵. قانون ثبت اسناد و املاک مصوب سال ۱۳۱۰

جرم کلاهبرداری رایانه‌ای گردد، صرف‌نظر از این که مدیر عامل دارای چه اوصافی باشد، این جرم قابل انتساب به شخص حقوقی خواهد بود. لازم به ذکر است که قانون جرایم رایانه‌ای، قانون خاص بوده و شرایط آن قابل‌تعمیم به سایر قوانین و مقررات نیست.

۳.۲. نتیجه حاصل شده

نتیجه جرم، اثر طبیعی رفتار مجرمانه است و قانون‌گذار آن را تجاوز به حق یا مصلحتی می‌داند که مورد حمایت وی است (زراعت، ۱۳۹۱: ۱۴۴). بنابراین، نتیجه جرم دارای یک معنای مادی و یک معنای قانونی است؛ نتیجه مادی جرم، تغییر وضعیتی است که پیش و پس از ارتکاب جرم رخ می‌دهد؛^۱ مثلاً فوت شخص در اثر عدم نظارت کارفرما در یک پروژه ساختمانی. نتیجه قانونی جرم، تجاوز به مصلحت یا حقی است که مورد حمایت قانون کیفری باشد؛ مانند تجاوز به حق مالکیت در نتیجه تحقق کلاهبرداری. با این اوصاف، نتیجه‌ای که از جرایم اشخاص حقوقی حاصل می‌شود، اول: دارای آثار محسوس است، دوم: حقوق مشروع مورد پذیرش قانون‌گذار را نقض می‌کند. به همین جهت، جرایم اشخاص حقوقی می‌تواند دربردارنده آثار منفی وسیع در سطح خرد و کلان باشد. دامنه این عواقب و عوارض، از تأثیر بر سلامت اقتصادی کشورها تا اختلال در عملکرد شرکت‌ها و سازمان‌ها و کارکنان آن‌ها، تنزل ارزش بورس و اوراق قرضه، جرایم مربوط به وام‌های بانکی، تضعیف اطمینان سرمایه‌گذار و از بین رفتن سرمایه‌گذاری شخصی و... است (Price, Norris, 2009: 135). علاوه بر این، با توجه به مفهوم عام جرم در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، امکان ارتکاب جرایم مطلق از ناحیه اشخاص حقوقی قابل‌تصور است.

۴.۲. رابطه سببیت^۲

رابطه سببیت میان رفتار فیزیکی و نتیجه مجرمانه، یکی از اجزای عنصر مادی جرم است. یعنی رابطه این دو، رابطه سبب و مسبب یا علت و معلول است، به گونه‌ای که اگر رفتار فیزیکی سبب حصول نتیجه نشود، موجب مسئولیت نخواهد بود. رابطه سببیت، امری است که باید اثبات گردد و اثبات آن بر عهده دادستان است. این رابطه معمولاً نحوه ارتکاب جرم و تحقق نتیجه آن را نشان می‌دهد. همچنین آن یک مسئله طبیعی و عرفی نیز هست. یعنی عرفاً باید میان رفتار فیزیکی و نتیجه، این رابطه وجود داشته باشد. به همین خاطر است که در قانون، احکام خاصی در این زمینه

۱. یکی از تقسیم‌بندی‌های مرتبط با نتیجه، تقسیم به جرم مطلق یا مقید است؛ از نظر عنصر مادی، جرم مقید جرمی است که تحقق آن در خارج نیاز به حصول نتیجه خاص دارد و از نظر عنصر معنوی، باید نتیجه خاصی قصد شود.

2. Causation

دیده نمی‌شود (زراعت، ۱۳۹۱: ۱۴۶). به عبارت دیگر، رابطه سببیت در رکن مادی ریشه دارد و واسطه ای است که فعل و نتیجه جرم را به هم پیوند می‌دهد؛ لکن احراز رابطه سببیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارده، قدری مشکل است. همچنین ابهامات و شبهاتی که درباره سببیت بین رفتار فیزیکی و جرایم اشخاص حقیقی وجود دارد، به مراتب در مورد اشخاص حقوقی پیچیده تر است؛ زیرا قانون گذار از رهگذر ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، احراز مسئولیت فردی و اشتقاق آن به شخص حقوقی مربوطه را مسئول می‌داند. بدین معنا که شخص حقوقی هنوز از منظر قانون گذار کیفری ایران، موجودی فرضی است که فی نفسه و مستقل از اعضای خود نمی‌تواند مسئول شناخته شود. چنان که ملاحظه می‌شود، بر اساس این ماده، انتساب مطلق جرایم اعم از واجد یا فاقد عنصر روانی به شخص حقوقی ممکن دانسته شده و در این خصوص از مسئولیت مافوق و کارفرما بهره گیری شده است (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۵). اغلب در قتل و صدمات بدنی ناشی از حوادث عمومی، هم عوامل فردی آشکار و هم عوامل نهفته موجود در ساختار اشخاص حقوقی سهیم هستند. عوامل نهفته همان تصمیمات یا اقداماتی‌اند که نتایج زیان بار آن‌ها برای مدت طولانی آشکار نمی‌شود؛ بلکه در ترکیب با عوامل خاصی که آشکار هستند ظاهر خواهد شد و هرگاه بتوان صدمه وارده را به تقصیر یا قصوری در شخص حقوقی نسبت داد، می‌توان حکم به دیه یا خسارت علیه او داد (موسوی مجاب، رفیع زاده، ۱۳۹۴: ۱۹۳). در این مورد می‌توان به مسئولیت شرکت آب و فاضلاب شهریار به پرداخت دیه اشاره کرد. در این پرونده ۱ اداره مذکور در خیابان اصلی مبادرت به حفر چاله برای آب رسانی به منطقه فردوسیه می‌کند؛ ولی بعد از حفر، بدون گذاشتن علائم هشداردهنده و پوشانیدن چاله، آن را رها می‌کند. در نتیجه راکب موتورسیکلت در شب به داخل گودال سقوط کرده و آسیب می‌بیند. دادگاه با توجه به قصور نماینده قانونی (رئیس اداره آبفا) و سوءمدیریت وی و نیز از آنجایی که اقدام مذکور به نام و در راستای منافع شخص حقوقی بوده است، نماینده قانونی و شرکت مذکور را مسئول دانسته و مشترکاً به پرداخت دیه محکوم می‌نماید.

خرده‌ای که می‌توان بر مقرر مزبور گرفت آن است که در انتساب عمل مجرمانه نماینده به شخص حقوقی، دستور یا رضایت مقامات عالی رتبه چنین شخصی را مؤثر در مقام نمی‌داند. به عنوان مثال، چنانچه مدیر عامل یک شرکت خصوصی که وی مجری مصوبات هیئت مدیره است، با فرض رضایت و یا دستور هیئت مدیره مبنی بر انجام اقدامات مجرمانه به نام یا در راستای منافع شرکت، موجبی برای مسئولیت شخص حقوقی نیست و صرفاً اقدامات مجرمانه مدیرعامل به عنوان نماینده قانونی می‌تواند برای شخص حقوقی مسئولیت ایجاد نماید؛ از این رو، قانون گذار مسئولیت کیفری

شخص حقوقی را بر پایه اصل موسع نمایندگی استوار نموده است. بنابراین، چون اشخاص حقوقی فاقد قوه ادراک هستند و از سوی دیگر، امکان رفتار فیزیکی از ناحیه ایشان متصور نیست، باید جرایم ارتكابی از سوی نماینده قانونی با تمام شرایطی که اشاره شد، محقق گردد. پس باید بین اقدامات نماینده قانونی و نتیجه حاصل از جرم در جرایم مقید، رابطه سببیت وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، چنانچه اقدامات نماینده منتهی به نتیجه مجرمانه (در جرایم مقید) نگردد و یا نتیجه حاصل شده ناشی از اقدامات شخص نماینده نباشد، علی‌الاصول جرمی قابل انتساب به شخص حقوقی نخواهد بود؛ در قانون ایران باید رابطه سببیت در جرایم قابل انتساب به شخص حقوقی را در رفتار مجرمانه نماینده قانونی مورد واکاوی قرار داد.

۵.۲. شروع به جرم

مبحث «شروع به جرم» اشخاص حقوقی، در پایان بحث عنصر مادی جرایم ایشان است؛ از آن رو که شروع به جرم، در واقع یک جرم ناتمام است. یعنی متهم، قصد ارتكاب جرمی را کرده و در راستای تحقق بخشیدن به آن نیز تلاش نموده، ولی عنصر مادی ناتمام مانده و او موفق به اتمام جرم نشده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۱۰۰). مسیر مجرمانه، دارای مراحل است که در چند مقطع کلی قابل بررسی است؛ در نخستین مرحله از فرآیند یک پدیده جنایی، اندیشه مجرمانه در ذهن مرتکب ظاهر می‌شود (خاطری، ۱۳۸۷: ۱۷). بسیاری از حقوق دانان در این زمینه اتفاق نظر دارند که فکر و قصد مجرمانه، موجب مسئولیت کیفری نمی‌شود (فتحی، ۱۳۹۱: ۹). مرحله بعد، تهیه مقدمات یا مرحله مقدماتی است. مرحله سوم، شروع به ارتكاب جرم است که در آن، مرتکب با وسایلی که تهیه نموده است، در صدد اجرای نقشه قبلی خود برمی‌آید. در شروع به جرم، حتماً باید قصد و نیت ارتكاب جرم تام وجود داشته باشد؛ هر چند در این مرحله، هنوز اعمال مادی جرم تکمیل نشده است؛ بنابراین، باید عامل دومی در کنار سایر اقدامات وجود داشته باشد که در قضاوت عرف نسبت به قبح عمل مؤثر باشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۱۰۱). به همین دلیل است که در جرایم غیر عمدی، شروع به جرم قابلیت تحقق ندارد.

قانون گذار در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، قواعد مربوط شروع به جرم را ضابطه مند کرده است. در این قانون، برخلاف قوانین قبلی که شروع به جرم جز در موارد خاص جرم‌انگاری نشده بود، اصل را بر جرم بودن آن قرار داده است (مصدق، ۱۳۹۲: ۲۴۱)؛ اما در مورد اشخاص حقوقی، ضابطه‌ای ارائه نمی‌کند و به عبارت بهتر، قائل به شروع به ارتكاب جرم توسط شخص حقوقی نیست. این امر را می‌توان از صدر ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی که به عبارت «هر کس» اشاره دارد، استنباط کرد. با این وجود، با فرض پذیرش نظریه نمایندگی، می‌توان قائل به بحث

شروع به جرم برای اشخاص حقوقی شد؛ به طوری که نماینده قانونی چنانچه به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی قصد ارتکاب جرمی نموده و وارد مرحله اجرایی گردد، می توان گفت که شروع به جرم از سوی شخص حقوقی ارتکاب یافته است. ولی این نظر در حد یک فرضیه باقی می ماند؛ زیرا با ملاحظه ماده ۱۲۲ که در بندهای الف و ب به جرایم ارتكابی اشاره دارد، مجازات شروع به ارتكاب جرم در این جرایم، از نوع حبس در نظر گرفته شده که امکان اجرای آن در مورد اشخاص حقوقی وجود ندارد. اما بند (ب) این ماده اشاره نموده است: «در جرایمی که مجازات قانونی آن ها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است، به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش محکوم خواهد شد». در رابطه با این ماده، به نظر می رسد چنانچه شخص حقیقی به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی، مرتکب شروع به کلاهبرداری شود، امکان مجازات شخص حقوقی به جزای نقدی درجه شش قابل تصور باشد. همچنین در جرایم گسترده و سنگین اشخاص حقوقی (که بعضاً می تواند کیفرهای سنگینی در بر داشته باشد)، مانند جنایت علیه تمامیت جسمانی اشخاص، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، اخلال در نظام اقتصادی، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک، جرایم زیست محیطی و... عدم تعیین مجازات برای شروع به جرم، منطقی به نظر نمی رسد. از سوی دیگر با توجه به استدلال فوق، قائل بودن به مجازات برای اشخاص حقوقی در جرایم سبک تر بدون جرم انگاری در جرایم سنگین تر قابل توجیه نیست.

۶.۲. معاونت و مشارکت در جرم

در تمامی نظام های حقوقی، کسانی که در ارتکاب عمل مجرمانه به مباشر جرم کمک می نمایند نیز قابل مجازات هستند؛ برای نمونه، در تمام جرایم سازمان یافته، مجرمین قادر به تأسیس شرکت هایی برای پیشبرد اهداف خود یا پول شویی حاصل از جرم هستند و غالباً تحت پوشش شرکت های مختلف به فعالیت های پنهانی خود ادامه می دهند. امروزه جرم سازمان یافته به شاخه عظیمی از تجارت بدل شده و درآمد حاصل از آن، سرمایه غیرقانونی عظیمی را پدید آورده است. بنابر تخمین ها، این جرایم حدود ۲۰ درصد از کل تجارت جهان را تشکیل می دهند. قاچاق مواد مخدر، انسان، فحشا، اعضای بدن و... نمونه هایی از این قبیل جرایم هستند که غالباً فراسوی مرزهای یک کشور، با همکاری چند شرکت یا تابعیت های مختلف و تحت یک سازمان و تشکیلات پیچیده صورت می پذیرند (Newburn, 2007, p:22).

معمولاً در خصوص این دسته از جرایم، چند شرکت تحت عناوین گوناگون با یکدیگر مشارکت می نمایند. اما به موجب مواد ۱۲۵ و ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ که در مقام بیان مفاهیم شرکت و معاونت در جرم است، ضابطه شرکت در جرم -وفق ماده ۱۲۵ قانون مذکور-

استناد رفتار مجرمانه به شرکای جرم تلقی گردیده است. به همین جهت، در صدر ماده ذکر شده است: «هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی شرکت کند...». با توجه به عبارت ظاهری ماده ۱۲۵ قانون مذکور، شرکت و مشارکت چند شخص حقوقی در ارتکاب جرم در نظام حقوقی ایران پذیرفته نیست؛ زیرا عبارت «هر کس» در ابتدای ماده، ناظر به شخص حقیقی مرتکب جرم است البته ممکن است با تفسیری منطقی عبارت هر کس را، «هر شخص» توصیف و مشمول اشخاص حقوقی نیز کرد؛ زیرا آنچه در خصوص شرکت در جرم ملاک است، دخالت در عملیات و انتساب جرم به دو یا چند مرتکب است که این مهم، چه از سوی دو یا چند شخص حقیقی و چه از سوی دو یا چند شخص حقوقی و چه با تشریک مساعی اشخاص حقیقی و حقوقی به صورت توأمان میسر است. مثل این که دو شرکت «الف» و «ب» در قاچاق انسان یا پول شویی و یا شخص حقوقی «الف» و شخص حقیقی «ب» در تحقق قتل غیر عمد مشارکت کنند. یا شخص «ج» در اثر مصرف داروی فاسد شرکت «الف» (که بر اثر تقصیر تولید شده) و شربت آلوده تولیدی شخص حقیقی «ب» که بر اثر عدم رعایت ضوابط تهیه شده، فوت کند. در هر حال نقص و ابهام قانون در این زمینه مشهود است.

از سوی دیگر معاون جرم کسی است که بدون شرکت در عملیاتی که جرم را مستند به رفتار وی سازد، به مجرم کمک کرده و وقوع جرم را تسهیل می‌کند. معاونت در جرم هم در قبل و هم در حین ارتکاب جرم، قابل تصور است. با توجه به ماده ۱۲۶ قانون، مصادیق معاونت در جرم در ارتباط با معاونت شخص حقوقی در سه بند ذکر شده است و در ابتدای هر سه بند به عبارت «هر کس» اشاره دارد که آن نیز ناظر به شخص حقیقی است. البته صرف نظر از این موضوع که در فوق نیز مورد اشاره قرار گرفت، می‌توان برای عدم تحقق معاونت در جرم توسط اشخاص حقوقی، به دلیل قوی‌تر دیگر استناد جست و آن توجه به کیفرهای مندرج در بندهای ذیل ماده (۱۲۷) قانون مجازات اسلامی و عدم امکان اعمال آن‌ها در مورد اشخاص حقوقی است. زیرا، مجازات معاونت، حسب بندهای الف، ب و پ، همگی، حبس و شلاق بوده که صرفاً قابلیت اعمال در خصوص اشخاص حقیقی را دارند. از اطلاق بند ت نیز به دشواری می‌توان مجازات اشخاص حقوقی معاون را برداشت کرد؛ چراکه با توجه به تبصره ۱ ماده مذکور، لازم است مجازات معاون از جنس مجازات اصلی باشد. یعنی باید مجازات اصلی شخص حقوقی، مبنای تعیین مجازات معاون باشد که تحقق این امر به دشواری ممکن است. بنابراین باید نتیجه گرفت که اشخاص حقوقی به عنوان معاون جرم در نظام حقوقی ایران، قابل تعقیب نیستند. از این رو، اهمیت و ضرورت جرم‌انگاری معاونت و مشارکت در جرم به‌ویژه در جرایم سازمان‌یافته و فراملی، مانند انواع قاچاق‌های مواد مخدر، انسان،

فحشا، جرایم اقتصادی و... که چندین شرکت با یکدیگر در ارتکاب جرم مشارکت یا معاونت می‌کنند، احساس می‌گردد.

۳. رکن معنوی^۱

عنصر روانی یک حالت ذهنی قابل سرزنش است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۱۴) و بدون وجود آن، امکان تحقق جرم وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر، برای تحقق جرم، نقض اوامر و نواهی قانون گذار به تنهایی کافی نیست و باید فعل یا ترک فعل، نتیجه مورد خواست و اراده فاعل باشد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۳۲۶). اما وضعیت عنصر روانی در مورد اشخاص حقوقی به گونه دیگری است و اصولاً مسئولیت کیفری متوجه کسی می‌شود که ارکان مادی و معنوی جرم را انجام داده باشد (Husak, 1995: 213). توضیح آنکه با وجود ضروریات اجتماعی و بر مبنای نظریه نمایندگی (که این نظر به نوعی به تأیید قانون گذار ایران رسیده است)، گاه مسئولیت بر اشخاصی بار می‌شود که هیچ نقشی در شکل گیری اجزای جرم نداشته‌اند. به عبارت دیگر، اشخاص حقوقی با توجه به ماهیت فرضی و اعتباری خود، نمی‌توانند مانند اشخاص حقیقی عناصر ارتكابی اعم از ارکان مادی و معنوی جرم را به وجود آورند، مگر این که جرم به وسیله نمایندگان آن‌ها ارتکاب یافته باشد (Wells, 2011: 94). با وجود این نظریه، مشکل انتساب عنصر روانی و مادی به شخص حقوقی مرتفع می‌گردد (شریفی و همکاران: ۶۱). پس باید عنصر روانی جرایم اشخاص حقوقی را در نماینده قانونی شخص حقوقی جستجو نمود.

بنابراین نماینده قانونی باید دارای عنصر روانی لازم در ارتکاب جرم (اعم از عمدی و غیر عمدی) باشد. یعنی در جرایم عمدی، دارای اراده و آگاهی لازم به پیامد و نامشروع بودن عمل خود و در جرایم غیر عمدی نیز دارای خطای جزایی اعم از بی احتیاطی و بی مبالاتی باشد. از این رو، با پذیرش نظریه نمایندگی در مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که فقدان عنصر روانی در نماینده قانونی، موجب عدم توجه مسئولیت به شخص حقوقی می‌گردد. در این زمینه اشاره به موضع حقوق انگلستان از باب مطالعه تطبیقی مفید خواهد بود. به این شرح که گاه به رغم عدم تقصیر شخص حقیقی، شخص حقوقی واجد مسئولیت کیفری خواهد بود و آن موقعی است که سیاست و فرهنگ شخص حقوقی، موجبات ارتکاب جرم را فراهم کرده باشد. در این حالت، هر مدیر و کارمندی که مشغول به کار شود، محکوم به پیروی از این رویه جرم‌زا خواهد بود. بر این اساس، مادام که خط مشی و سیاست جرم‌زای شخص حقوقی تغییر نکند، همچنان ارتکاب جرم از ناحیه این شخص استمرار خواهد داشت. در این حالت است که می‌توان گفت: رکن معنوی

1. Mens Rea

جرم، چیزی جز سیاست و خط مشی شخص حقوقی نیست و در نتیجه اشخاص حقیقی به عنوان نماینده قانونی با اثبات اینکه اقدام فرد خاطی، خودسرانه و در تعارض آشکار با سیاست های شخص حقوقی داشته است، می‌توانند از خود رفع مسئولیت نمایند (شریفی، ۱۳۹۲: ۸۵). متأسفانه این مهم، مورد توجه قانون‌گذار ایران قرار نگرفته، حال آن‌که در نظام‌های حقوقی ای چون انگلستان، مورد اهتمام واقع گردیده است.

نتیجه‌گیری

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به جهت‌های گوناگون از جمله فقدان عنصر مادی و معنوی، اصل شخصی بودن مجازات و... در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف با چالش مواجه بوده است. تا اوایل قرن بیستم، تأثیر دیدگاه‌های مخالف بر نظام‌های حقوقی به گونه‌ای بود که پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص موصوف را دچار تردید می‌کرد. اما از نیمه قرن مزبور و در پی گسترش دامنه فعالیت‌های اشخاص حقوقی به‌ویژه شرکت‌ها و ظهور جرایم سازمان‌یافته، علیه محیط زیست، در حوزه صنعت، اقتصاد، حمل و نقل و بهداشت و همچنین با توجه به افزایش شمار، گستردگی و گوناگونی جرایم ایشان، این تردید کنار گذاشته شد.

نظام حقوقی ایران از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۸۸ هیچ‌گاه به طور یک قاعده به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی توجه نکرده بود؛ تا این که در سال ۱۳۸۸ با وضع قانون جرایم رایانه‌ای، برای نخستین بار به‌طور ضابطه‌مند مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مطرح شد. در سال ۱۳۹۲ قانون‌گذار با تعمیم مسئولیت کیفری به کلیه جرایم اشخاص حقوقی، تمامی تردیدها در این زمینه را پایان داد. علی‌رغم وجود نظریه‌های مختلف در حقوق کشورهای مختلف از جمله انگلستان که به‌مناسبت در این مقاله مورد اشاره قرار گرفت، قانون‌گذار ایران مسئولیت اشتقاقی را برای اشخاص حقوقی مورد پذیرش قرار داده است. به بیان دیگر، وجود مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی، فرع بر ارتکاب جرم از سوی آنان است. از آنجایی که امکان ارتکاب جرم از سوی اشخاص حقوقی وجود ندارد، قانون‌گذار ایران با پذیرش مسئولیت مذکور برای اشخاص حقوقی، این امکان را از طریق نماینده قانونی - که متأسفانه تعریف دقیقی در نظام حقوقی ایران ندارد و حسب مورد باید به قوانین مربوطه یا اساس‌نامه شخص حقوقی رجوع گردد - میسر ساخته است. یعنی قانون‌گذار ایران تابع نظریه نمایندگی بوده، برخلاف نظام حقوقی انگلستان از نظریه فرهنگ سازمانی تبعیت نکرده است. همچنین عنصر قانونی این دسته از اشخاص در قوانین خاص مانند جرایم رایانه‌ای یا قاچاق انسان و در قوانین عام مانند قانون مجازات اسلامی مورد توجه قرار گرفته است که با توجه به عام بودن قانون مجازات اسلامی و خاص بودن سایر قوانین، باید برای تعیین ارکان متشکله و

همین طور مجازات این دسته از اشخاص، به قوانین خاص رجوع کرد. پس قوانین خاص کماکان در خصوص اشخاص حقوقی به قوت خود باقی هستند؛ با این حال امکان ارتکاب بسیاری از جرایم از ناحیه اشخاص حقوقی امکان پذیر نیست. به عنوان مثال، می توان جرایم مشمول حد و قصاص را از این دسته از جرایم برشمرد. ولی ارتکاب جرایم مشمول مجازات تعزیر و دیات را می توان از ناحیه آنان امکان پذیر دانست.

عنصر مادی جرایم این دسته از اشخاص، بر مبنای عنصر مادی جرم نماینده قانونی مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد؛ با این توضیح که چون در نظام حقوقی ایران، مسئولیت کیفری شخص حقوقی بر مبنای نظریه نمایندگی است، باید ارکان سازنده این جرم را در شخص حقیقی نماینده جستجو کرد. بنابراین رکن مادی جرم که دربرگیرنده رفتار فیزیکی و شرایط و اوضاع و احوال ارتکاب آن و همین طور نتیجه حاصله است، باید به طور کامل در شخص حقوقی مورد توجه قرار گیرد. قانون گذار علاوه بر شرایط عمومی رکن مادی، شرایط خاصی را برای انتساب رفتار مجرمانه به شخص حقوقی مورد توجه قرار داده است. به عبارت دیگر، برای اثبات این عنصر، افزون بر انجام رفتار مجرمانه اعم از فعل یا ترک فعل، جرم ارتكابی باید به نام یا در راستای منافع شرکت و توسط نماینده قانونی تحقق یافته باشد. البته این موضوع در قانون جرایم رایانه ای با حرف عطف «و» آورده شده است که اصولاً منطقی تر است و شرط دیگر این است که اعمال شخص حقوقی از نوع اعمال حاکمیتی نباشد. نکته مهم و حائز اهمیت در رکن مادی، وجود رابطه سببیت بین رفتار ارتكابی و نتیجه حاصله است؛ از آنجایی که نماینده قانونی به نمایندگی از شخص حقوقی مرتکب جرم می گردد، باید برای انتساب جرم به شخص حقوقی رابطه سببیت را در رفتار نماینده قانونی جستجو کرد، یعنی اگر رابطه علیت بین رفتار نماینده و نتیجه حاصله یافت نشود، نمی توان جرمی را منتسب به شخص حقوقی دانست. از این رو با مجموعه کل این شرایط می توان قائل به انتساب رفتار مجرمانه به شخص حقوقی گردید.

با وجود اهمیت موضوعاتی چون شروع به جرم و شرکت و معاونت در جرم، قانون گذار ایران در قوانین خود چنین موضوعاتی را برای این دسته از اشخاص پیش بینی نکرده است. ولی با تفسیر قوانین موجود می توان اعلام کرد که شروع به ارتکاب جرم و معاونت در آن از ناحیه این دسته از اشخاص امکان پذیر نیست؛ اما چه بسا بتوان با تفسیر منطقی از متن قانون، امکان مشارکت چند شخص حقوقی را در ارتکاب جرم قابل تصور دانست. مسلماً تصریح قانون گذار در این زمینه بر این تفسیر ترجیح دارد.

عنصر معنوی این دسته از اشخاص نیز بر اساس نظریه نمایندگی برگرفته از عنصر روانی نماینده قانونی مرتکب جرم است. البته بر اساس آنچه بیان گردید و در مقام تحلیل نظری عنصر

روانی، شاید بتوان برای احراز آن از تشخیص عرف و به عبارتی معیارهای نوعی مدد جست. مسلماً دنیای پیچیده علم و فناوری و توسعه صنایع گوناگون و گسترش اغلب این گونه فعالیت‌ها در قالب اشخاص حقوقی، اقتضا می‌نماید که مبانی نظری در باب عنصر روانی اشخاص حقوقی در جهت تبیین و تحلیل موضوع، از نظریات سنتی در این باب فاصله بگیرد.

بررسی پرونده های آلودگی هوای شهر اهواز، خون های آلوده، حادثه بیمارستان خمینی شهر حکایت از این دارد که سیاست جنائی قضائی هنوز بطور کامل در راستای سیاست جنائی تقنینی قرار نگرفته است. البته تحول پدید آمده در زمینه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ زمینه ساز تحول در رویه قضائی شکل گرفته در این خصوص خواهد بود.

پیشنهادها

۱) قانون مجازات اسلامی بدون هیچ قید و شرطی، کلیه جرایم را در مورد اشخاص حقوقی متصور دانسته است. بنابراین قانون گذار می‌بایست این اطلاق را مقید و جرایم این اشخاص را به نحو شایسته احصا نماید و موضوع معاونت و مشارکت در ارتکاب جرم توسط اشخاص حقوقی را نیز مورد تبیین و تصریح قرار دهد.

۲) شناسایی ارکان جرایم اشخاص حقوقی، مستلزم اتخاذ سیاست جنایی منسجم در خصوص مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است. پیش بینی شخصیت مستقل از مدیران و نمایندگان قانونی همچون حقوق انگلستان در نظام حقوقی ایران امری ضروری و غیر قابل اجتناب است.

۳) همان طور که اشاره گردید، در قوانین ایران تعریف دقیقی از شخص حقوقی ارائه نشده است و با توجه به اینکه برخی از شخصیت‌های حقوقی دارای وضعیتی نامشخص به لحاظ دولتی یا غیردولتی و بعضاً تلفیقی از هر دو هستند، ضرورت دارد قانون گذار در اصلاحات بعدی قانون، تعریف دقیقی از شخص حقوقی ارائه دهد و راه را برای تفاسیر مختلف ببندد.

۴) قانون گذار تعریفی از نماینده قانونی ارائه نکرده است و این امر موجب فرار از مسئولیت کیفری در سلسله مراتب اداری شده است. از این رو می‌بایست «نماینده قانونی» اشخاص حقوقی به روشنی تعریف شود؛ به گونه‌ای که شامل افراد غیرمدیر در اشخاص حقوقی نیز گردد.

۵) قانون گذار می‌بایست برای جلوگیری از تحمیل بی‌جهت مسئولیت کیفری و یا تشتت آرا در مورد اشخاص حقوقی، تفاوت در بیان و نگارش قانون‌های مجازات و جرایم رایانه‌ای را در خصوص دو حرف «یا» و «و» به شرحی که بیان شد، مرتفع نماید. به گونه‌ای که در اصلاحات بعدی در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، حرف «یا» را به «و» تبدیل

نماید که علاوه بر یکسان‌سازی قوانین و جلوگیری از تفسیرهای متفاوت، مانع از گسترش بی‌جهت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی گردد.

۶) با توجه به رو به تزاید بودن این دسته از اشخاص و با وجود شرکت‌های چند ملیتی که بعضاً دارای شعبات مختلفی در کشورهای مختلف هستند، پیش‌بینی موضوع شرکت و معاونت در جرم توسط شخص حقوقی بیش از پیش نمایان می‌گردد.

۷) با توجه به گسترده بودن آثار جرایم این دسته از اشخاص و ضرورت توجه به اینکه شروع به ارتکاب جرم توسط این دسته از اشخاص نیز می‌تواند تبعات گسترده‌ای بیش از اشخاص حقیقی مرتکب جرم داشته باشد، از این رو پیش‌بینی شرایط تحقق شروع به جرم توسط شخص حقوقی و نیز مجازاتی متناسب با این پدیده، امری ضروری است.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳)، **حقوق جزای عمومی**، چاپ سی و دوم، جلد دوم، تهران: نشر میزان.
- اکبری، مسعود و قناد، فاطمه (۱۳۹۴)، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حال تصفیه»، **نشریه حقوق دادگستری**، شماره ۹۱، ص ۵۶-۳۷.
- توجهی، عبدالعلی (۱۳۹۴)، **آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲**، چاپ اول، تهران: نشر مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- پوربافرانی، حسن و سیفی، مهدیه (۱۳۹۴)، «گونه‌شناسی مجازات شخص حقوقی»، **نشریه آموزه‌های حقوق کیفری**، شماره ۹، ص ۱۲۸-۱۰۱.
- حسینی، محمدحسن (۱۳۸۸)، «مطالعه تطبیقی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قتل و صدمات بدنی در حقوق ایران و استرالیا»، رساله دکتری دانشگاه شهید بهشتی.
- خاطری، برهان (۱۳۸۷)، **فرآیند تکوین جرم**، چاپ اول، تهران: نشر خرسندی.
- روح‌الامینی، محمود، «دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی فرانسه»، **مجله فقه و حقوق**، سال چهارم، شماره ۱۶، ص ۱۵۹-۱۱۷.
- زبیر، اولریش (۱۳۹۰)، **جرایم رایانه‌ای**، ترجمه محمدعلی نوری، چاپ دوم، انتشارات گنج دانش.
- زراعت، عباس (۱۳۹۱)، **حقوق کیفری اقتصادی**، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- زراعت، عباس (۱۳۹۲)، **حقوق جزای عمومی ۱ و ۲**، چاپ اول، تهران: نشر جنگل.
- زراعت، عباس (۱۳۹۲)، **شرح مختصر قانون مجازات اسلامی**، چاپ اول، تهران: نشر ققنوس.
- زراعت، عباس (۱۳۹۳)، **شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی**، جلد دوم، تهران: نشر جاودانه.



- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۰)، **حقوق جزای عمومی**، جلد ۲، چاپ دهم، تهران: انتشارات ژوبین.
- شریفی محسن و حبیبزاده جعفر، «دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۸۲، ص ۱۵۹-۱۱۷.
- شریفی، محسن، و حبیبزاده جعفر (۱۳۹۲)، «انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و انگلستان»، **نشریه آموزه‌های حقوق کیفری**، شماره ۶، پاییز- زمستان، ص ۵۷-۸۸.
- شریفی، محسن (۱۳۹۴)، **مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- صفار، محمد جواد، (۱۳۹۰)، **شخصیت حقوقی**، چاپ اول، تهران: انتشارات بهنامی.
- فرج‌الهی، رضا (۱۳۸۸)، **مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- فتحی، محمدجواد (۱۳۹۱)، «**رأیه معیار تشخیص جرایم ناتمام**»، **نشریه حقوقی دادگستری**، شماره ۷۷، ص ۳۳-۹.
- قاسمی، ناصر (۱۳۹۱)، **حقوق کیفری محیط زیست**، چاپ اول، تهران: نشر خرسندی.
- مصدق، محمد (۱۳۹۲)، **شرح قانون مجازات اسلامی با رویکرد کاربردی**، چاپ اول، تهران: نشر جنگل.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۰)، **تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی**، چاپ اول، تهران: نشر جنگل.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۲)، **جرایم علیه اشخاص**، چاپ دوازدهم، تهران: نشر میزان.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۲)، **جرایم علیه آسایش و امنیت عمومی**، چاپ دوازدهم، تهران: نشر میزان.
- محسنی فرید (۱۳۸۹)، «**تحولات مسئولیت کیفری شرکت‌ها (از نظر تا عمل)**»، **نشریه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۵۱، ص ۳۱-۱.
- محسنی، فرید (۱۳۹۱)، «**جرایم شرکتی از دیدگاه جرم‌شناختی**»، **نشریه دیدگاه حقوق قضایی**، شماره ۵۹، ص ۱۵۶-۱۳۱.
- موسوی مجاب، سید درید و رفیع‌زاده، علی (۱۳۹۴)، «**دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی**»، **نشریه پژوهش حقوق کیفری**، شماره سیزدهم، ص ۱۶۹-۱۴.

موسوی مجاب، سید درید و رفیع زاده، علی (۱۳۹۴)، «ضمانت اجرای جرایم اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، نشریه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۹، ص ۲۰۶-۱۸۵.

Freiberg, Arie (2000), Sentencing **white Collar crime**, retrieved: in 2012/4/2, in: <http://www.aic.gov.an> –

Hetzer, Wolfgang (2007), **Corruption as Bussiness Practic? Corporate Criminal Liability in the European Union.**

Husak, Douglas N., (1995), "The Nature and Justifiability of No consummate **Offence**", Arizona Law Review, Vol37, ,p213

Newburn, Tim (2007), **Criminology, 1st ed.** USA, Willan Publishing.

Nanda, Ved P., (2011), **Corporate Criminal Liability in the United State**, Spring science & Business Media B. V.

Price, Merlyn, Norris, Dona M (2009), **White Collar crime: Corporate and Securities and commodity fraud**, Journal of the American Academy of Psychiatry and the Law Online, vol.37, No.4.

Sahloul, Jalal Hashim, (2013), **Corporate Criminal Liability: A comparison between the law in the United States and Saudi**, thesis of phd, University of Kansas, Apr. 1.

Sepiwall, Amy, (2015), **Crossing The Fault Line in Corporate Criminal Law**, Journal of Corporation Law, Winter, Issue2

Uhiman, David, (2015), **The Pendulum Swing: Reconsidering Corporate Criminal prosecution**, UC David law Review, No4.

Wells, Celia (2011), **Corporate Criminal Liability in England and Wales, Present and Future**, Springer Science & Business Media B.V.

